

مرآت واردات

تاریخ سقوط صفویان، پایداری آن و فرمانروایی ملک محمودستانی

تألیف
محمد شفیع طهرانی (وارد)
(متولد ۱۰۸۷ هـ. ق.)

مقدمه، تصحیح و تعلیقات
دکتر منصور صفت کل

وارد، محمد شفیع، قرن ۱۲ ق.
مرآت واردات (تاریخ سقوط صفویان، پیامدهای آن و فرمانروایی ملک محمود سیستانی) / تألیف
محمد شفیع طهرانی (وارد)؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات منصور صفت گل - تهران: میراث مکتوب؛ ۱۳۸۳.
۳۰۰ ص. - (میراث مکتوب؛ ۱۱۸. تاریخ و جغرافیا؛ ۱۶)

ISBN 964-6781-85-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
ص. ع. لاتینی شده:
کتابنامه: ص ۲۸۹ - ۲۹۳.
نمایه.

۱. ایران - تاریخ - صفویان - ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق. ۲. ایران - تاریخ - قرن ۱۲ - ۱۳ ق. الف. صفت گل،
منصور. ب. ایران. میراث مکتوب. ج. عنوان. د. عنوان: تاریخ سقوط صفویان، پیامدهای آن. ه.
عنوان: فرمانروایی ملک محمود سیستانی.

۹۵۵/۰۷۱۹

DSR ۱۲۵۱ / ۲ و ۴

۲۷۵۹ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



مرآت واردات

تألیف: محمد شفیع طهرانی (وارد)

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر منصور صفت گل

ناشر: میراث مکتوب

چاپ اول: ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچین: علیرضا صفا؛ صفحه‌آرا: محمود جانی

حروف به کار رفته در متن:

لوتوس، زر، جلال، کامپیوست، رویا، Times، Math Symbol

شابک: ۳ - ۸۵ - ۶۷۸۱ - ۹۶۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: رویداد

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۳ - ۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.com

http://www. MirasMaktoob.com

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	۹
-فراز و فرود صفویان	۹
-رویداد: برافتادن صفویان	۱۴
-مورخان دوره سقوط	۱۶
-محمد شفیع طهرانی: زمانه، زندگی و آثار	۲۰
-مرآت واردات	۳۱
-ملک محمود سیستانی: روایت مرآت واردات	۴۲
-روایات موجود	۴۴
-روایت منابع نویافته	۴۷
-نسخه مرآت واردات	۵۴
یادداشتها	۵۹
متن مرآت واردات	۷۱
- ذکر سردفتر کارخانه ولایت... حضرت شیخ صفی الدین	۷۳
- جانشینان شیخ صفی الدین: صدر الدین تا اسمعیل	۷۴
- ذکر احوال شاه اسماعیل	۸۰
- شاه تهماسب اول تا شاه سلطان حسین	۹۰

- ۹۸ سلطنت شاه سلطان حسین
- ۹۹ حدود فتن در عهد شاه سلطان حسین
- ۱۰۳ سلطنت شیخ محمد زکی
- ۱۰۸ ذکر سرگذشت گرگین خان گرجی و خروج میرویس
- ۱۱۸ ملک محمودخان سیستانی
- ۱۳۱ استقرار ملک محمود سیستانی در مشهد
- ۱۳۹ ملک اسحق سیستانی و رویداد سبزوار
- ۱۴۷ ملک محمود سیستانی و نادرقلی افشار
- ۱۵۲ ملک محمود سیستانی و تلاش شاه طهماسب ثانی برای فتح مشهد
- ۱۵۸ شرح احوال نادرقلی بیگ افشار
- ۱۵۹ سرگذشت مقدمه قندهار و طغیان قوم افغانه غلزه و سقوط اصفهان
- ۱۶۵ مدعیان سلطنت صفویه پس از شاه سلطان حسین
- ۱۷۱ ذکر احوال شاه طهماسب ثانی
- ۱۷۵ فتح علی خان قاجار و سرانجام او
- ۱۸۵ فرجام کار ملک محمود سیستانی
- ۱۸۷ صورت حال سید احمد خان ولد میرزا ابوالقاسم ابن میرزا داود متولی
- ۱۸۹ طهران در یورش افغانان
- ۱۹۲ ذکر احوال شاه طهماسب و تسخیر اصفهان

* * *

- ۱۹۷ تعلیقات
- ۲۶۷ نمایه ها
- ۲۶۹ نمایه جایها
- ۲۷۵ نمایه کسان
- ۲۸۴ نمایه اقوام، قبایل، سلسله ها و اصطلاحات
- ۲۸۹ منابع و مأخذ

مقدمهٔ مصحح

فراز و فرود صفویان

برآمدن صفویان و تشکیل دولت صفوی در ایران، زمینه‌ساز دورانی جدید در تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران شد. صفویان در عین حال که وارث تجربه سیاسی پیش از خود شدند، کوشیدند با دگرگونی‌هایی در آن و افزودن مضامین جدیدی به پیکره نهاد سیاسی و فرهنگی ایران، زمینه را برای شکل‌گیری مفهوم جدیدی از ایران آماده سازند. واقعیت این است که تحولات و دگرگونی‌های چشمگیر این دوران در زمینه‌های گوناگون، تأثیری عمیق بر تمامی ابعاد حیات جامعه ایرانی گذاشت. این واقعیت از چند دیدگاه شایسته بررسی و توجه بیشتری است.

نخست اینکه در دوره نسبتاً طولانی فرمانروایی صفویان بر ایران که حدود دو و نیم سده به درازا کشید، جامعه ایرانی دوره جدیدی از تمرکز سیاسی با ویژگی‌های دوره پیش از عصر جدید تاریخ ایران را از سر گذراند و فرمانروایی صفویان سهم عمده‌ای در این مورد داشت. از سوی دیگر مهمترین تغییر فرهنگی و مذهبی در تاریخ ایران پس از اسلام در همین دوران انجام شد.

آنچه به صورت تشکیل حکومت صفویان ظهور کرد، بر آیند یک رشته فعالیت‌های

مستمر سیاسی و مذهبی بود که دست کم از عصر مغولان و با تشکیل دولت ایلخانان در ایران رفته رفته چهره‌ای آشکار به خود می‌گرفت. آشکارترین ویژگی این روند، ظهور تدریجی فعالیتهای سیاسی مذهبی تشیع اثنی عشری بود که سرانجام پس از فراز و نشیبهای دوره ایلخانان تا نیمه دوم قرن نهم هجری قمری و با گذر از مرحله سرنوشت ساز همراهی با جریانهای صوفیانه این دوره، بر دست شیوخ خانقاه اردبیل مخصوصاً از عهد شیخ جنید به بعد و در عهد اسماعیل یکم به مثابه آئین فراگیر دولت تازه تأسیس صفویان منشأ دگرگونیهای جدی در فضای مذهبی جامعه ایرانی شد.

دیگر آنکه تاریخ ایران در دوره صفویان نه فقط در حوزه تحولات درونی، بلکه از لحاظ مسائل منطقه‌ای و جهانی نیز قابل توجه است. دوران فرمانروایی صفویان بر ایران همزمان با شکل‌گیری و یا شکوفایی دولتهای نیرومند اسلامی مانند تیموریان یا مغولان هند و دولت عثمانی بود. دولتهایی که از جنبه‌های گوناگون بر حیات جامعه ایرانی تأثیر گذاشتند یا از آن تأثیر پذیرفتند. در عین حال از دیدگاه تاریخ جهانی نیز این دوران پر اهمیت است. به دلیل شرایط خاص بین‌المللی و شکل‌گیری دولتهای جدید اروپایی و آغاز و گسترش فعالیتهای تجاری و بعداً استعماری اروپائیان در این دوران، نهاد سیاسی و جامعه ایرانی در پیوندی گاه مستقیم با اروپا قرار گرفت. این تماس و ارتباط، بر جامعه ایرانی به ویژه در امور اقتصادی تأثیری جدی داشت. با این همه نمی‌توان دیگر تأثیرات آن را نادیده گرفت. رنسانس اروپایی و شکل‌گیری تدریجی دانش و فن آوری جدید نیز در این دوره قابل توجه بودند و جامعه صفوی بر کنار از تأثیر این تحولات نبود. گرچه نباید در میزان تأثیر آنها گزافه‌گویی کرد.

سلسله‌ای که بر مبنای تکاپوی شیوخ خانقاه اردبیل و همراهی و همگامی نیروهای قبایلی، مریدان طریقت صفوی و گروههای رده بالای شهری بر دست اسماعیل یکم تأسیس شد، در روزگار شاه تهماسب یکم استقرار یافت و پس از یک دوره کوتاه وقفه در عهد جانشین او، در روزگار شاه عباس یکم به اوج قدرت و شکوفایی رسید. شاه عباس با گسترش سوداگری و تأمین راهها، سرکوبی گرایشهای مرکز گریز و ایجاد قاعده‌های

سنجیده در آداب فرمانروایی و از همه مهمتر اقدامات جدی برای آبادی شهرها،^(۱) کوشید تا دورانی از انسجام سیاسی و رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی را آغاز کند. آنچه بر دست او انجام شد نهادهی کردن آن رشته از تکاپوهایی بود که از روزگار شاه اسماعیل یکم آغاز شده بود. در عهد شاه عباس یکم کامیابیهای جنگی و نوسازی تشکیلات دیوانی دولت صفوی همزمان پیش رفتند. این روند بخشی مهم از یک تحول اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بود که به دولت صفوی امکان داد تا سالها پس از مرگ شاه عباس یکم برقرار بماند. مهمترین ویژگی و دستاورد تکاپوهای شاه عباس یکم نیرومندی چشمگیر حاکمیت مرکزی بود. اما شگفت است که همین امر به دلایل گوناگون زمینه را برای مرکز گریزهای بعدی آماده ساخت.

پس از شاه عباس یکم، صفویان دوره‌ای از آرامش نسبتاً طولانی را از سر گذراندند. گرچه نباید در باره آرامش این دوران مبالغه کرد، با این همه در عین توجه به درگیریهای دولت صفوی با عثمانیان در عهد شاه صفی که پس از بسته شدن عهدنامه زهاب (۱۰۴۹ قمری) فروکش کرد و نیز مساله قندهار در عهد شاه عباس دوم، ایران با بحرانهایی بزرگ سرنوشت ساز و لشکرکشیهای ویرانگر و تهدید بیگانه در مقیاس وسیع روبرو نشد.

برجسته‌ترین ویژگی نهاد سیاسی پس از مرگ شاه عباس یکم، دگرگونی قابل توجهی بود که در ترکیب قدرت در آن ایجاد شد. قزلباشان که پیکره تشکیلات جنگی صفویان را تا عهد شاه عباس می‌ساختند، از آن پس دیگر منبع اصلی نیروی لشکری نبودند و نیروهای جدیدی وارد عرصه تشکیلات جنگی و در نتیجه تشکیلات سیاسی صفویان شدند که سبب نظارت همه جانبه‌تر پادشاه صفوی بر منابع قدرت شد. تغییرات این دوران در عین حال زمینه‌ای را فراهم آورد که به موجب آن به تدریج نیروی پشتیبانی داخلی دولت صفوی کاهش یافت. این امر مخصوصاً در سالهای سقوط صفویان نتایجی فاجعه‌بار برای آنان داشت.

میراث شاه عباس یکم در آنچه به قدرت سیاسی و مقام فرمانروا مربوط می‌شد، عبارت بود از ظهور قدرت نامحدود فرمانروا در اعمال قدرت بر همه ارکان جامعه به

ویژه دیوانسالاری، و از سوی دیگر ظهور جانشینانی که پیش از کسب قدرت، تجربه واقعی فرمانروایی و کشورداری برای اداره قلمرویی پهناور را نداشتند. این رویه گرچه در عهد شاه عباس یکم منزلت و موقعیت فرمانروای وقت را تا اندازه‌ای از خطر فرزندان حفظ می‌کرد اما در عین حال نتایج آن برای ادوار بعدی تاریخ صفویان اندوهبار بود. هنگامی که شاه سلیمان به قدرت رسید، دستاورد مصیبت بار این امر بیش از پیش نمایان شد. پادشاهی که در بیشتر منابع مربوط به این دوران معمولاً از او با بیانی ناخوشایند یاد می‌شود.^(۲)

با این همه دوران فرمانروایی شاه سلیمان که حتی نسبت به عصر شاه عباس دوم، دورانی صلح آمیزتر بود، همزمان با درخششی قابل توجه در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی و از جمله تکاپوهای مذهبی و فرهنگی بود. این مطلب اهمیت دارد که در زمانه او که فشار خارجی تقریباً وجود نداشت و از نظر داخلی نیز نابسامانی ناشی از لشکرکشیهای پرهزینه، فشاری بر طبقات مختلف اجتماعی وارد نمی‌کرد، زمینه برای سرزندگی امور ذوقی و فعالیتهای فرهنگی فراهم شود. اما در عین حال آرامش این دوران رفته رفته سبب انحطاط توانائیهای جنگی دولت صفوی نیز شد.

با برآمدن شاه سلطان حسین، ساختارهای اصلی قدرت صفویان دچار دگرگونی بنیادی شد. او وارث شرایطی بود که در بیشتر عهد شاه سلیمان شکل گرفته بود. با این همه به نظر می‌رسد او در آغاز بر آن شد تا اندازه‌ای شرایط اجتماعی و سیاسی را بهبود بخشد.^(۳) این اقدامات گرچه نشانه توجه فرمانروای جدید برای سروسامان دادن به اوضاع آشفته‌ای بود که گویا بیشتر در عهد شاه سلیمان بالا گرفته بود، اما در درازای فرمانروایی شاه سلطان حسین وقوع رویدادهای جدید، ناکافی بودن و گاه غیر مؤثر بودن آنان را ثابت کرد. رفته رفته شرایط سیاسی و اجتماعی ایران به زیان دولت صفوی دگرگون شد. دیوانسالاری کهنه و ریشه‌دار علاقمند نبود امتیازات خویش را از دست بدهد، وضع اقتصادی ظاهراً خراب می‌شد و بعضی از بلایای طبیعی به ویژه در اصفهان خرابیهایی ایجاد کردند که تأثیری منفی بر شرایط عمومی پایتخت صفویان گذاشت. با

این همه شرایط اقتصادی و اجتماعی عمومی در کشور ظاهراً بحرانی نبود. دری افندی سفیر عثمانی که در ۱۰ ربیع الاول سال ۱۱۳۳ قمری برای انجام مأموریت خویش، در تهران با شاه سلطان حسین ملاقات کرد، شرحی در باره این مسافرت برجا گذاشته است. او در پایان این سفرنامه می‌نویسد که کشور ایران «بسیار آباد است». «بیشتر مردم توانگرند و تنگدست اندک است»^(۴) اما او ضمن تأکید بر اینکه «همه کشور قزلباش آبادان است و ویرانه آن بسیار کم است» اشاره‌ای به وضع سیاسی ایران می‌کند که تا اندازه‌ای زیاد توصیف درست شرایط جامعه ایرانی در شرایط نزدیک به سقوط اصفهان است: «اما عیاذاً بالله چنین می‌نماید که انقراض دولت شان نزدیک است. چاکر، آشکار و پنهان وضع شان را مو به مو رسیدگی کردم: کشورشان به غایت آباد است. اما دولت شان رجالی ندارد، گوئی قحط الرجال است و از آن رو نظام شان آشفته و پریشان و دولت شان متزلزل است. از هر سو به آنان هجوم می‌شود و نمی‌توانند دفع کنند. سربازانی هم که از این طرف جمع می‌کنند، از آن طرف در حال گریختن‌اند. اگر کسانی را که در مقام رجال دولت هستند، به حرف بکشیم، دست از لاف زنی بر نمی‌دارند و می‌گویند: «پسر میراویس از رعایای ما است. اینقدر هست که با شاه ما ناز و نیازی دارد. البته به زودی می‌آید و در برابر شاه سر تعظیم فرود می‌آورد. شاه هم گناهان او را می‌بخشد. او باز هم رعیتی را می‌پذیرد و می‌رود سرجای خود می‌نشیند. اما حقیقت نه چنین است. به تحقیق محمود افغان دشمن سر سخت آنهاست. سرداران‌شان هم که به جنگ می‌روند، ناامید و بدبین می‌روند. به امر خداوند نکبت و نحوستی بر رخسارشان سایه افکنده است. هرگز خنده‌ای بر لبان شان دیده نمی‌شود. و همه همداستان‌اند و آشکار می‌گویند که: «بخت شیخ زاده - یعنی شاه - برگشته و فرّ دولتش رفته و روزگارش به سر آمده است.»^(۵)

گرچه در این گزارش می‌توان نشانه‌ها و یا مبالغه‌های احساسات یک مأمور عثمانی نسبت به دولت صفوی را دید، با این همه آنچه پس از دیدار دری افندی در ایران روی داد و چندی پس از آن سقوط اصفهان و پیامدهای آن، درستی دیدگاه او را روشن می‌کند.

رویداد: برافتادن صفویان

سقوط اصفهان گرچه در سال ۱۱۳۵ قمری روی داد، با این همه این رویداد ریشه در عواملی دور دراز داشت که به دلایل گوناگون رفته رفته زمینه را برای برافتادن صفویان مهیا ساخت. در اواخر عهد شاه سلطان حسین، صفویان حالتی تدافعی به خود گرفته بودند و بیشترین وجه همت دولت صفوی حفظ وضع موجود بود. در هنگامه‌ای که جنگها و لشکرکشیهای بزرگ صورت نمی‌گرفت و در شرایطی که بیشترین اهتمام دولت صفوی در این باره معطوف به آشفته‌گیهای گاه به گاه در کناره‌های شرقی و جنوبی و شمال غربی کشور شده بود، دسته‌های سپاهی که قبلاً با انگیزه‌های گوناگون، توان جنگی خویش را در اختیار اهداف دولت صفوی می‌گذاشتند، دیگر مانند گذشته ارجمند و توانا نبودند. هر چه دولت صفوی بیشتر در خود فرو می‌رفت، آرزوهای گروههای جمعیتی گوناگون از قبیل ناراضیان قزلباش، سرآمدان محلی، دیوانیان ناخشنود و اقلیتها بیشتر سربرمی‌آوردند. شگفت آور بود اما واقعیت داشت که مجموعه توان جنگی صفویان گویا حتی نمی‌توانست با گروههای کوچک شورشگر که گاه به صورت دسته‌های چند نفری بر ضد صفویان می‌شوریدند، مقابله کند.^(۶) در موردی محمد قلی بیگ چوله ایشیک آقاسی باشی که با پانصد سپاهی برای مقابله با بلوچانی که به اطراف یزد یورش برده بودند، اعزام شد، از آنان شکست خورد در حالی که تعداد یورشگران «بسیار کمتر از سپاه اسلام پناه» بود.^(۷)

در اصفهان پایتخت صفویان نیز در این سالها بحرانهای گوناگونی آغاز می‌شود. در سال ۱۱۲۷ قمری قیمت مواد غذایی مخصوصاً گندم و آرد و نان بالا رفت و از شش «بیستی» به هفت «بیستی» رسید.^(۸) این افزایش گرچه ظاهراً زیاد نبود اما رویدادهای پس از آن نشان داد که بالا رفتن تدریجی قیمت‌ها تأثیری ناگوار بر اصفهان گذاشت. از سوی دیگر به نظر می‌رسد در این سالها دولت صفوی با بحرانی درونی در زمینه مشروعیت خویش نیز روبرو شده بود. احتمالاً در این زمان گروههایی شاید از نخبگان جامعه، دلبستگی خویش را به مضامین قدیمی مربوط به اینکه پادشاهی موهبتی خدایی